

بررسی جواز بنای قبور و زیارت از دیدگاه احادیث بریلویه

شجاعت علی*

عباس خسروی**

ابوالفضل روحی**

چکیده

زیارت قبور و ساخت بنا بر مزار اولیای الهی از مسائل مورد اختلاف در جهان اسلام است. در این میان، فرقه بریلویه در شبه‌قاره هند رویکردی متفاوت از جریان‌هایی نظیر وهابیت و دیوبندیه دارد و با استناد به منابع فقهی و حدیثی اهل سنت، به شدت از مشروعیت این اعمال دفاع می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش، تحلیل دیدگاه‌های روایات منابع حدیثی بریلویه پیرامون زیارت و بنای قبور و مقایسه آن با مواضع مخالفان است. مقاله حاضر با هدف تبیین جایگاه زیارت و بنای قبور در اندیشه حدیثی بریلویه، ریشه‌های اعتقادی این رویکرد و استدلال‌های حدیثی آنان نگاشته شده است. این پژوهش با روش توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به ویژه آثار مکتوب احمد رضا خان بریلوی (مؤسس فرقه) و دیگر علمای شاخص این مکتب، انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که بریلویه بر اساس اصولی چون حیات برزخی اولیا، جواز توسل و شفاعت و احترام به مقام پیامبر و صالحان، زیارت قبور و ساخت بنا (از جمله گنبد و بارگاه) بر مزار آنان را نه تنها جایز، بلکه عملی مستحب و مایه تقرب به خداوند می‌داند. آنان با استناد به آیات قرآن، احادیث نبوی و سیره صحابه، عمل خود را مشروع می‌شمارند و مخالفان خود (وهابیت و دیوبندیه) را متهم به نادیده گرفتن سنت پیامبر (ص) می‌کنند.

واژگان کلیدی: بریلویه، زیارت، زیارت قبور، بنای بر قبور، احمد رضا خان بریلوی.

* دانش پژوه دکتری جریان‌های کلامی معاصر اسلام، جامعه المصطفی العالمیه، (نویسنده مسئول) shigariy@yahoo.com

** استادیار دانشگاه کردستان، a.khosravi@uok.ac.ir

** استادیار دانشگاه شهید بهشتی، aroohi1906@gmail.com

مقدمه

زیارت به معنای حضور نزد قبور پیامبران، امامان، امامزادگان و مؤمنان است. زیارت از اعمال پسندیده اسلامی بوده و در طول تاریخ، مسلمانان به آن عنایت و اهتمام داشته‌اند. این عمل، نزد شیعیان جایگاهی ویژه دارد. سالانه شیعیان فراوان از نقاط مختلف جهان به منظور زیارت قبور ائمه (ع) و برخی امامزادگان سفر می‌کنند. ابن تیمیه و وهابیان، برخلاف سایر فرقه‌های مسلمان، زیارت قبور پیامبران و پیشوایان دینی به قصد شفاعت و استجابت دعا را بدعت و عملی شرک‌آمیز تلقی می‌کنند. در مقابل، عالمان شیعه و بیشتر عالمان اهل سنت با استناد به سنت پیامبر (ص)، سیره صحابه، تابعین و مسلمانان، زیارت را مشروع و دارای فضیلت می‌دانند.

۱. ادبیات نظری تحقیق

۱-۱. زیارت

کلمه «زیارت» از ریشه «زور» است که معانی متعددی دارد؛ برخی می‌گویند: معنای اصلی این کلمه، رو بر تافتن و کناره‌گیری است. کلمه «زائر» از همین باب است که وقتی فردی، کسی را زیارت می‌کند، از غیر او روی گردانده است. (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ص ۴۴۳) فیومی در ادامه می‌گوید: زیارت، در عرف آن است که انسان با انگیزه بزرگداشت کسی و انس گرفتن با او به وی روی آورد. (همان)

برخی نوشته‌اند: «زور»، به قسمت بالای سینه گفته می‌شود. (راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۳۸۶) این معنا سپس به معنی ملاقات کردن و روبرو شدن به کار رفته است. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۲۷۷)

طریحی این کلمه را به معنای «قصد» گرفته است و این دعای «اللهم اجعلنی من زوّارک» را به معنای «من القاصدین لک، الملتجئین إلیک» می‌داند. او در ادامه می‌نویسد: «زیارت در عرف یعنی قصد کردن زیارت‌شونده برای اکرام و تعظیم او و طلب انس گرفتن با او.» (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۱۹) طبق این معنا به هر قصدی، «زیارت»

گفته نمی‌شود؛ بلکه به قصدی اطلاق می‌شود که برای اکرام و تعظیم و انس گرفتن با زیارت‌شونده باشد. (سبحانی، الزیارة فی الکتاب و السنة، ص ۷۳)

عرب به زیارت‌کننده مرد، «زائر» و به زیارت‌کننده زن، «زائرة» می‌گویند. جمع سالم «زائر»، «زائرون» می‌باشد و جمع سالم «زائرة»، «زائرات» می‌شود. به زیارت‌شونده، «مزور» گفته می‌شود.

محل زیارت و زیارتگاه، «مزار» خوانده می‌شود. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۳۳۶)

نیز برخی گفته‌اند: این‌که بر ملاقات اولیا و بزرگان، زیارت اطلاق شده، از آن جهت است که این کار، انحراف از جریان مادی و عدول از عالم طبیعت و توجه به عالم روحانیت است، در حالی که در محیط طبیعی حضور دارد و جسمانیت خویش را حفظ می‌کند.

تنها موردی که قرآن کریم این واژه را در این معنا استعمال کرده، (زرتم) در آیه کریمه «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ - حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثُر / ۱ - ۲) است. مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند: دو طایفه از قریش، یعنی «بنی عبد مناف» و «بنی سهم بن عمرو» به مفاخره با یک دیگر پرداختند، برخی نیز گفته‌اند: دو طایفه از یهود بودند. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۹ - ۱۰، ص ۸۱۱) و هر یک، بزرگان و افراد قبیله خویش را به رخ دیگری می‌کشیدند که سرانجام بنو عبد مناف در این مفاخره برتری یافتند. گروه مقابل، یعنی بنی سهم برای جبران شکست خویش گفتند: در جاهلیت بسیاری از افراد طایفه ما بر اثر بغی و ستم نابود شدند که اگر زنده می‌بودند، بر شما غلبه می‌کردیم. از این‌رو به سراغ قبرستان‌ها رفتند و به شمارش قبرهای قبیله خویش پرداختند. (فیض کاشانی، صافی، ج ۵، ص ۳۶۹)

براین اساس، قرآن کریم به سراغ کسی یا چیزی رفتن و دیدارکردن با او را «زیارت» نامیده است.

این کلمه اصل «بریل» بوده که شهری نزدیک دهلی در هندوستان می‌باشد. چون احمد رضا خان، مؤسس مکتب بریلویه در این شهر بوده لذا پیروان او را «بریلویه» می‌نامند. (خسروی، اشتراکات و افتراقات اعتقادی بریلویه با شیعه، ص ۱۹)

مکتب بریلویه آمیزه‌ای از تصوف و تسنن است بطوری که از لحاظ فقهی حنفی هستند و از لحاظ کلامی آمیزه‌ای از اشعری و ماتریدیه اندولی بیشتر مایل به ماتریدیه هستند و در عمل نیز متأثر از تصوف می‌باشد. (ثاقب، پاکستان کے دینی مسالک، ص ۲۰) این فرقه فراگیرترین فرقه‌ای است که در شبه‌قاره هند در عصر جدید است. این فرقه به دست احمد رضا خان بریلوی بنیانگذاری شد. وی در ۱۰ شوال ۱۲۷۲ هـ مطابق ۱۴ ژوئن ۱۸۵۶ م (قادری رضوی، حیات اعلیٰ حضرت، ص ۵۶) در شهر بریلی در محله جسولی متولد شد سپس نزد پدر و سید احمد دحلان مکی (درمکه) درس خواند. او به دست سید آل رسول حسینی در طریقه قادریه بیعت کرد (همان، ص ۶۷). وی بعد از اتمام دروس به تدریس و تألیف روی آورد و کتابهای زیادی را به رشته تحریر در آورد. از مهمترین کتب وی «الفتاویٰ الرضویه» ملفوظات، احکام شریعت و ... می‌باشد. وی در سال ۱۳۴۰ ق از دنیا رفت. (همان، ص ۱۰۲۷)

۳-۱. عقاید بریلویه

صفات الهی:

مهمترین عقاید آنها در باب صفات و رابطه آنها با ذات این است که صفات نه عین ذاتند و نه غیر ذات و قائلند که خداوند متصف به تمام صفات کمال است. (مراد آبادی، کتاب العقاید، ص ۲)

بریلویه در باب صفات خداوند و رابطه آنها با ذات، بر اساس فکر ماتریدی مشی می‌نماید. کتاب المعتقد المنتقد که تعلیقات احمد رضا خان بریلوی را در حاشیه خود دارد، در این زمینه می‌نویسد: ما برخلاف نجدیون - وهابیت - قائلیم که خداوند متصف به تمام صفات کمال است و امکان اتصاف عجز و کذب بر خدا محال است و او حی، قادر و عالم و ... است (زبیری الموسوعة المیسرة، ج ۱، ص ۳۰۲ - ۳۰۳). بزرگان صوفیه قائل به عینیت

معانی صفات با ذات اند. ولی این امر منافاتی با این ندارد که علمای اهل سنت گفته اند صفت عین ذات نیست؛ چرا که منظور آنان این است که مفهوم صفات غیر از مفهوم ذات است. (بدیوانی، المعتقد المنتقد، ص ۲۳ - ۳۳) اعتقاد به قضا و قدر الهی از شعب ایمان است. اینان در مسئله حسن قبح، مثل ماتریدیه به حسن و قبح عقلی معتقدند و با اشاعره در این زمینه مخالف اند. (همان، ص ۵۰)

مقام پیامبر:

آنها مقام پیامبر را بسیار بلند می دانند و معتقدند که نور پیامبر قبل از تمام خلائق خلق شده و علمش علم ما کان و ما یکون است (اعظمی، بهار شریعت، ج ۱، ص ۱۰۵). در نظر آنان، پیامبر تنها موجود مرتبه ایجاد است و تمام خلائق عکس و سایه او و ملائکه شررهای نور اویند. پیامبر مظهر صفات الهی و محیی ارواح است و از او، جن و انس و عرش و کرسی به وجود آمده است. پیامبر حق تصرف در کون را دارد و همه عالم به خاطر وجود هستی او به وجود آمده است. استغاثه و استعانت از پیامبر و بلکه تمام اولیای الهی جایز است؛ چرا که پیامبر دافع بلا و معطی عطاست و عبدالقادر گیلانی نیز غوثی است که با استغاثه به او مشکلات انسان حل می شود. (بدیوانی، المعتقد المنتقد، ص ۷۵)

خلافت و ولایت:

برخی از بریلویه در باب خلافت قایل به دو نوع خلافت هستند. خلافت ظاهری که ابوبکر خلیفه اول است و خلافت باطنی (ولایت) که حضرت علی (ع) خلیفه و امام اول است. آنها ائمه شیعه از امام علی تا امام حسن عسکری را غوئهای عالم می دانند (قادری، بهار طریقت، ص ۲۱۵).

توسل و شفاعت:

بنابر نظر بریلویه، مردگان در قبر زنده اند و کلام ما را می شنوند لذا بنای قبور و نذر برای آنها جایز است (قادری، مزارات اولیاء اور توسل، ص ۱۰۴)، آنها توسل و شفاعت را نیز قبول دارند. (مولانا حضور احمد منظری، عقیده توسل، ص ۵)

اهلیت (ع):

بریلویه برای اهل بیت پیامبر احترام بسیاری قایل است و در رابطه با آنها فضایل و مناقب بسیاری را نقل کرده اند. چنانکه احمد رضا خان در مورد حضرت علی (ع) می گوید:

«تکمیل و ارشاد باطنی از آن اوست و تمام غوث، قطب، ابدال و اوتاد محتاج اویند... تمام اقطاب در تحت فرمان مدبرانه اوست، اگر چه واسطه فیض و خلیفه اعظم خداوند، پیامبر اسلام می باشد و هرچه میسر می شود از آن فیض پیامبر است ولی جانشین حقیقی پیامبر در این زمینه مولی علی هستند لذا در دنیا برای هر که هر چه میرسد بوسیله اوست تا آنجا که در عرف مسلمانان بعنوان مشکل کشا شهرت یافت و ناد علیا مظهرالعجایب شهره خاص و عام شدند» (بریلوی، مطلع القمرین فی ابانه سبقه العمرین، ص ۷۸).

مهدویت:

بریلویه همچنین به مهدویت نیز اعتقاد دارند، (رضوی، ظهور امام مهدی کب اورکهان؟ ص ۱۱) امام مهدی (عج) در نگاه «بریلویه» دارای جایگاه ویژه ای است و آن امام را به عنوان آخرین امام و خلیفه ظاهری و باطنی در عصر حاضر می دانند و معتقدند که آن حضرت، هم خاتم ولایت خواهد بود و هم آخرین امام و خلیفه برای امت. از نگاه بریلویه امام مهدی (عج) دوازدهمین امام روی زمین و آخرین خلیفه الهی خواهد بود که هم دارای خلافت ظاهری است و هم دارای خلافت باطنی. لذا امام مهدی (عج) را به عنوان آخرین ولی خدا و اولی الامر در عصر حاضر می دانند. بریلویه ظهور امام مهدی (عج) را از نشانه های قیامت می دانند و معتقدند آن حضرت مرجع تمام اولیا خواهند بود و اولیای الهی در سراسر جهان به ایشان اقتدا می کنند. در موقع ظهور، حضرت عیسی (ع) به آن حضرت اقتدا و امامت ایشان را اعلام می کنند. برخی از علمای بریلویه امام مهدی را آخرین خلیفه عصر حاضر در ظاهر و باطن می دانند و بر این باورند که آن حضرت هنوز متولد نشده است. (اعظمی، بهار شریعت، ص ۱۲۶؛ محمد طاهر قادری، حیات و نزول مسیح اور ولادت امام مهدی، ص

(۸۱)

احمد رضا خان فرزند مولانا علامه مفتی محمد نقی علی خان م (۱۸۸۰ م) ۱۰ شوال ۱۲۷۲ هـ مطابق ۱۴ ژوئن ۱۸۵۶ م (قادری رضوی، حیات اعلیٰ حضرت، ص ۵۶) در شهر بریلی در محله جسولی در یک خانواده مذهبی به دنیا آمد؛ و از همان کودکی نزد پدر خود که یک عالم برجسته بود درس را شروع و همین ایام از چند استاد دیگر نیز استفاده می کند، مثل میرزا قادر بیک، مولانا سید ابوالحسن احمد نور مارهروی وی، در سال ۱۸۷۷ م بدست عالم و خاتم الاکابر سید شاه آل رسول احمدی مارهروی با سلسله قادریه بیعت می کند. (همان، ص ۶۷) و اجازه اوراد و وظایف را نیز از آنان اخذ می کند.

وی در سال ۱۸۷۷ م به حج مشرف می شود و آنجا با چند تن از مفتیان مثل سید احمد دحلان مکی و عبدالرحمن سراج ملاقات کرده و از آنان اجازه حدیث می گیرد. (همان، ص ۶۷)

در سال ۱۹۰۴ م در شهر بریلی مدرسه ای بنام «دارالعلوم منظر الاسلام» (همان، ص ۷۰) تأسیس می کند که بعدها علمای زیادی جهت ترویج نظریات امام احمد رضا خان از این مدرسه فارغ التحصیل می شود.

در سال ۱۹۰۵ م امام احمد رضا خان دوباره به حج مشرف می شود و در آنجا کتابی در اثبات علم غیب پیامبر با عنوان «الدولة المکیه بالمادة الغیبة» می نویسد.

در این سفر چند تن از عالمان آن دیار را خلیفه خود معرفی می کند که از آن جمله می توان به شیخ محمد عبد الحی ابن الشیخ الکبیر الکتانی الحسنی المکی ۱۹۱۳ م و شیخ اسماعیل خلیل مکی آفندی م ۱۹۱۹ م اشاره کرد. (شاه جهان یوری، سیرت امام احمد رضا، ص ۵۰)

وی در بازگشت از سفر حج چند روز در کراچی اقامت گزیده و با مولانا عبدالکریم سندی نیز ملاقات صورت می دهد. امام احمد رضا در سال ۱۹۱۲ م از قرآن ترجمه ای ارائه داده و نام آن را «کنز الایمان فی ترجمة القرآن» می گذارد که اکنون از پر فروش ترین کتاب در پاکستان می باشد. (نعمانی قادری، امام احمد رضا دوران مکی تعلیمات، ص ۳)

ایشان بیش از ۵۰ عنوان موضوع و ۱۰۰۰ رساله (النعم، اردو نعت گوئی اور فاضل بریلوی، ص ۲۴۱) تألیف کرده است کہ در نوع خود بی نظیر است لذا تألیفات و فتاوی متعدد وی به ویژه در رد افکار و ہایت و دیوبندیہ بہ شہرت و نفوذ فکر و شخصیت احمد رضا خان بریلوی در میان مردم افزود و مریدان زیادی را دور او جمع شد و سرانجام جمعیت عظیمی بہ این حلقہ اولیہ پیوستند و اکنون بہ عنوان تفکر بریلویت از پایگاہ اجتماعی خوبی برخوردارند۔

اساتید احمد رضا خان: (قادر رضوی، حیات اعلیٰ حضرت، ص ۱۰۳۹)

میرزا غلام قادر بیک بریلوی ۱۸۸

مولانا نقی علی خان بریلوی والد احمد رضا خان ۱۸۸۰ م

مولانا عبدالعلی رامپور

مولانا سید ابوالحسن احمد نوری مارہروی ۱۹۰۶ م

شیخ احمد بن زین مکی

شیخ عبدالرحمن مکی

آثار علمی احمد رضا خان: (ہمان، ص ۱۰۳۱)

کنز الایمان فی ترجمۃ القرآنالع

طایا النبویہ فی الفتاوی الرضویہ ۳۰ جل

الاحکام الشریعیۃ

خالص الاعتقاد

سبحان السبوح

حسام الحرمین

دوام العیش

ملفوظات

حدایق بخشش

احمد رضا خان بریلوی سرانجام در ۲۵ صفر ۱۳۴۰ مطابق با ۱۹۲۱ م وفات یافت.
(همان، ص ۱۰۲۷)

۲. بنای بر قبور

منظور از بنا بر قبور، هر نوع ساخت و ساز روی قبور، مانند گنبد، بارگاه (بقعه)، خانه، ضریح، مسجد و امثال آن است. (شریینی، مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۳۶۴) ساختن بنا بر روی قبور، به ویژه قبور پیامبران، صالحان و اولیای الهی از مسائلی است که امروزه (در قرن پانزدهم هجری) وهابی‌ان روی آن حساسیت نشان می‌دهند و سایر مسلمانان، از جمله شیعه را به سبب انجام این کار تخطئه و شماتت می‌کنند. (سبحانی، آیین وهابیت، ص ۳۸) از همین رو، بحث درباره مشروعیت آن از نظر دین اسلام، یکی از مباحثی است که مورد توجه محققان و عالمان مسلمان قرار گرفته است. (سبحانی، آیین وهابیت، ص ۹۲-۹۳)

موضوع ساخت بنا بر قبور یکی از مباحث اختلافی بین بریلویه و دیوبندیه است. این اختلاف به حدی است که دیوبندیه حکم جواز بنای قبور بریلویان را مصداق شرک و کفر می‌دانند. دیوبندیه با تأثیر از وهابیت این امر را جایز نمی‌داند و با این عقیده به شدت برخورد می‌کنند و جدی‌ترین اشکال بر بریلویه را در این زمینه وارد می‌کنند. بریلویه هم بر خلاف آنان به زیارات و بنای قبور توجه ویژه‌ای دارند و در مخالفت با دیوبندیه کتاب‌های زیادی نیز به رشته تحریر در آورده‌اند جواز این مسئله را با احادیث و روایات متعدد و سیره صحابه به اثبات می‌رسانند:

از جمله آن سیره‌ها می‌توان به این دو سیره اشاره کرد. (همان، ص ۲۵۱)

جناب عمر، خود بر قبر زینب بنت حجهش گنبد بنا کرد و محمد بن حنفیه فرزند حضرت امام علی بر قبر حضرت عبدالله بن عباس گنبد بنا کردند. صاحب کتاب «صراط الابرار» در بیان جواز ساخت بنا از قول امام ابو حنیفه نقل می‌کند در عصر رسول خدا مردم قبور را بلند درست می‌کردند و کسی بر این امر مخالفتی نمی‌کرد. (همان)

بریلویه علاوه بر جواز بنای قبور را زیارت قبور را نیز جایز می‌شمارد. آنها برای زیارت پیامبر اهمیت زیادی قائل‌اند. نسبت به زیارات عتبات عالیات و حتی در زیارت قبر بزرگان

خود چون عبدالقادر جیلانی نیز اشتیاق فراوان نشان می دهند.

آنها بر این باوراند که مردگان در قبر ارتباط خود را با دنیا کاملاً قطع نکرده اند و کسانی چون پیامبران و اولیاء الهی ناظر به اعمال ما هستند. بر این اساس معتقد اند که مرحومین کلام ما را می شنوند. لذا می گویند زیارت قبور هرگز چیزی عبث و بیهوده ای نیست. در میان اندیشمندان مکتب بریلویه، موضوع ساخت و تکریم قبور اولیا و صالحین از جایگاه ویژه ای برخوردار است؛ و با استناد به احادیث، سیره پیامبر (ص) و عمل صحابه، ساخت بنا بر قبور و زیارتگاهها را نه تنها جایز، بلکه عملی ممدوح و عامل تقرب به خداوند میدانند. در اینجا به مهم ترین دیدگاهها و استدلالهای آنان اشاره می شود:

۱-۲. احمد رضا خان بریلوی

احمد رضا خان در کتاب «فتاوی رضویه» به تفصیل به جواز ساخت قبور و بناهای یادبود بر مزار اولیا استدلال میکند. وی با اشاره به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) که فرمودند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنْ يَجْصَصَ الْقَبْرُ وَأَنْ يَقْعَدَ عَلَيْهِ وَأَنْ يُنْشَى عَلَيْهِ» (نیشابوری، صحیح مسلم، حدیث ۹۷۰)

تأکید می کند که این نهی تنها در موارد خاصی است که همراه با اسراف یا تزینات حرام باشد، نه مطلق ساخت بنا. او همچنین به اقدام پیامبر (ص) در نصب سنگ بر قبر عثمان بن مظعون اشاره می کند که نشان دهنده جواز علامتگذاری قبور است. (بریلوی، فتاوی رضویه، ج ۴، ص ۲۳۱)

۲-۲. علامه ارشد القادری

ارشد القادری با استناد به آیه ۲۱ سوره کهف «فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ» استدلال می کند که حتی در قرآن، اقدام به ساخت بنا بر قبور صالحین (اصحاب کهف) به عنوان عملی نیک ذکر شده است. وی همچنین به روایاتی از صحابه مانند ساخت گنبد بر قبر پیامبر (ص) توسط عمر بن عبدالعزیز اشاره می کند و آن را سند تاریخی مشروعیت این عمل می داند. (اعظمی، بهار شریعت، ج ۳، ص ۴۵)

۳-۲. مفتی اختر رضا خان

وی تفاوت بین «عبادت» و «تکریم» را روشن ساخته و تأکید میکند که ساخت مقابر، به شرط عدم وجود شرک، نه تنها حرام نیست، بلکه احترام به اولیای الهی محسوب می شود. او به فتوای ابن حجر عسقلانی در «فتح الباری» (عسقلانی، فتح الباری، ج ۳، ص ۲۵۶) استناد میکند که ساخت بنا بر قبور را در صورت عدم اهتمام به تزینات حرام، مجاز میداند. (بریلوی، المستند المعتمد، ص ۱۲۲)

اندیشمندان بریلویه با اتکا به قرآن، سنت و سیره سلف صالح، ساخت بنا بر قبور اولیا را نه تنها جایز، بلکه نشان های از احترام به میراث اسلامی می دانند. آنها این عمل را در چارچوب شریعت و به شرط پرهیز از شرک و بدعت، تأیید می کنند.

بررسی

در تالیفاتی که عقاید دیوبندی را بازتاب می دهد، بیان شده که دیوبندها محتوای آداب زیارت و احترام به قبور را قبول دارند، اما با هرگونه بنای معمارانه، گنبدسازی یا ساختار ثابت بر روی قبر مخالف اند، زیرا آن را نوعی بدعت و دخالت در سنت پیامبر اسلام می دانند و نسبت به این رفتار با احتیاط و در مواردی با نفی کامل برخورد می کنند.

در فتاوی رسمی دارالافتاء دیوبند به صراحت آیین هایی مانند احتیاط در قرار دادن پوشش، نصب چراغ و القاب ویژه بر قبر، نشستن یا سجده بر قبر، گردش دادن (تواؤف) و... را از بدعت ها دانسته و نکوهش می کند. این فتاوا نشان می دهد که نگاه دیوبندی به ساخت بنا بر قبور نیز همسو با این طرز نگاه است که از هرگونه جلوه به قبور ممانعت می کند.

دیدگاه غالب دیوبندی این است که ساخت بنا، گنبد یا بارگاه بر روی قبور، اگر در جهت آوردن مردم به زیارت و اعتقاد به «برکت» یا چنانچه القایی به نوعی توسل غیر شرعی باشد، مردود و نشانه بدعت و انحراف از سنت پیامبر است (بر اساس فتاوی و تقریرات دارالافتاء دیوبند و مجموعه آثار علما در این سنت).

در مقابل بریلویه بنای بر قبور را به طور کلی جایز و حتی مستحب می دانند، به ویژه برای قبور اولیا، صالحان و پیامبران. آنها معتقدند مردگان در قبر زنده اند، کلام زندگان را

می‌شنوند و از بناها و زیارت‌ها بهره می‌برند. این دیدگاه ریشه در اعتقاد به حیات برزخی و توسل به اولیا دارد. مصادیق مجاز شامل:

ساخت بنا و تعمیر آن.

نذر برای مردگان و ذبح قربانی به نیت آن‌ها.

طواف حول قبر و برگزاری اعیاد و بزرگداشت‌ها. (بریلوی، فتاوی رضویه، ج ۶، ص

(۲۱۴)

در مجموع، هر دو مذهب بنای بر قبور اولیا را مشروع می‌دانند و آن را ابزاری برای تقرب و تعظیم می‌شمارند، اما امامیه با احتیاط بیشتری (ساخت بارگاه و گنبد، مکروه برای افراد عادی) عمل می‌کند تا از غلو جلوگیری شود، در حالی که بریلویه رویکردی بازتر و عرفانی‌تر دارد.

۳. زیارت قبور

«قبر» جمع «قبر» است و «قبر» به محل دفن انسان می‌گویند. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۶۸)

شاید عنوان «زیارت قبور» برگرفته از آیه دوم سوره تکوین «حتی زرتم المقابر» باشد. این ترکیب در احادیث نبوی (ص) نیز آمده است؛ به عنوان مثال در منابع اهل سنت چنین می‌خوانیم: «نهیتکم عن زیارة القبور فزوروها». (نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۷۲) در کتب حدیثی نیز همین عنوان، برای اینگونه احادیث انتخاب شده است. (بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۳۰)

بریلویه، به زیارت قبور اولیاء و صالحان به عنوان عملی مشروع و حتی مستحب تأکید دارد و آن را بخشی از سنت اسلامی میدانند. در زیر به برخی از دیدگاه‌ها و استدلال‌های کلیدی این مکتب اشاره می‌شود:

۱-۳. احمد رضا خان بریلوی

امام احمد رضا خان، بنیانگذار مکتب بریلویه، در آثار متعددی به دفاع از زیارت قبور پرداخته است:

در این بخش، وی استدلال میکند که زیارت قبور اولیاء الله نه تنها جایز است، بلکه باعث تقرب به خداوند میشود. او به حدیثی از پیامبر (ص) استناد میکند که میفرماید: «كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، إِلَّا فَرْوُوهَا» (من شما را از زیارت قبور نهی کرده بودم، اکنون زیارتشان کنید) (صحیح مسلم، کتاب الجنائز). (بریلوی، فتاوی رضویه، ج ۲۳، ص ۵۰۵)

او همچنین تفاوت بین «عبادت» و «تکریم» را شرح میدهد و تأکید میکند که زیارت قبور به معنای عبادت مردگان نیست، بلکه احترام به اولیاء الله است، وی زیارت قبور را به عنوان وسیله‌ای برای تذکر آخرت و تقویت ایمان معرفی میکند. (بریلوی، المعجوب الملتقط من الملفوظات، ص ۱۱۲-۱۱۵)

همچنین احمد رضا خان بریلوی در آداب زیارت مزار اولیاء چنین می گوید: در مزار اولیا در پایین پای با فاصله ایستاد و با ادب چنین سلام کن: السلام علیک یا سیدی رحمت الله و برکاته؛ سپس درود غوثیه را سه بار و بعد الحمد شریف را یک بار و سپس آیه الکرسی بعد هفت بار سوره اخلاص و دورباره درود غوثیه هفت بار خوانده شود در صورت وسعت وقت سوره یاسین و سوره ملک بخوانید و سپس به درگاه خداوند چنین دعا کنید که بار الها برای این قرائت آن مقداری به من ثواب بده که اندازه کرم و لطفت است نه به اندازه عمل من و آن را از طرف من به این ولی خود به عنوان نذر مقبول برسان و سپس روح صاحب مزار را به درگاه خداوند وسیله قرار دهید و درخواست خود را بنمایید و با دادن سلام خارج شوید، بوسیدن مزار، دست زدن به مزار و طواف آن بالاتفاق ناجایز است و سجده حرام می‌باشد. (بریلوی، فتاوی رضویه، ج ۹، ص ۵۲۲)

۲-۳. نقی علی خان (پدر احمد رضا خان بریلوی)

وی در کتاب خود به نقل از شیخ عبدالقادر جیلانی می نویسد: «زیارت قبور صالحان سبب برکت و رحمت است». (نقی علی خان، حدائق بخشش، باب زیارت قبور)

۳-۳. ارشد القادری

وی کتابی مستقل در باب زیارت قبور تالیف نموده است و در این کتاب به طور کامل به دفاع از زیارت قبور پرداخته و با استناد به احادیث و آراء فقهای حنفی، مشروعیت این عمل را اثبات میکند. (ارشد القادری، فتح المعبود فی زیارة القبور، ص ۲۳)

۳-۴. امجد علی اعظمی

وی می گوید نه تنها زیارت مزارات امری پسندیده می باشد بلکه یاری خواستن و استمداد از اولیاء الهی نیز امر محبوب می باشد و آنها به تحقیق استعانت خواهند نمود، زیرا اولیاء الهی در قبور خویش از حیات ابدی برخوردار هستند و علم، ادارک، سمع و بصر آنان نسبت به قبل بیشتر و قدرتمند تر می باشد. (اعظمی، بهار شریعت، ج ۱، ص ۲۷۱)

۳-۵. مصطفی رضا خان (مفتی اعظم هند)

او زیارت قبور را نه تنها جایز، بلکه سنتی پیامبری میداند و به احادیثی مانند «زوروا القبور فانها تذكركم بالآخرة» (زیارت قبور کنید که شما را به یاد آخرت میاندازد) استناد میکند. (رضا خان، کفل الفقیه الفاهم، ص ۲۱۰)

۳-۶. محمد طاهر القادری

وی می گوید بسیاری از اصحاب رسول الله (ص) برای زیارت قبر ایشان مشتاق بوده و می رفتند، حضرت کعب الاحبار از حضرت عمر سوال می کند که همراه من به زیارت مزار پیامبر (ص) می آید؟ حضرت عمر موافقت می نماید و با همدیگر به زیارت مزار پیامبر می روند همچنین از حضرت عایشه، حضرت عبدالله به عمر، حضرت انس به مالک، حضرت جابر بن عبدالله، حضرت بلال، حضرت ابو ایوب انصاری، حضرت عمر بن عبدالعزیز و اصحاب دیگر به زیارت پیامبر (ص) دائماً مشرف می گشتند. (قادری، زیارت قبور، ص ۴۷)

زیارت مقامات متبرک، عملی پسندیده نزد ائمه دین می باشد در مورد مزار حضرت حمزه نقل گردیده: «و جعل علی قبره قبه فهو یزار و یتبرک به»، امام شمس الدین سخاوی می

گوید که رسول اکرم (ص) بر قبر عمومی خویش حضرت حمزه گنبد ساخته و مزار اور را زیارت و تبرک می نمود. (قادری، زیارت قبور، ص ۱۳۶)

در نهایت می توان گفت بریلویه معتقدند:

در شریعت اسلام رفتن برای زیارت مزار اولیاء الله جائز است و در سنت ثابت است که شخص پیامبر اکرم (ص) خود برای زیارت قبور شهدای احد تشریف می برد. (مجلس فتوی، بنیادی عقائد اور معمولات اهل سنت، ص ۱۰۶) چنانکه در حدیث وارد شده:

بی شک پیامبر هر سال برای زیارت مزار شهدای احد می رفت. همچنین در صحیح ترمذی نقل شده که رسول الله (ص) فرمودند که من شما را از زیارت قبور منع کرده بودن و اکنون محمد (ص) اجازه زیارت قبل مادرش را دادم پس شما هم به زیارت قبور بروید که بی شک شما را به یاد آخرت می اندازد. (مجلس فتوی، بنیادی عقائد اور معمولات اهل سنت، ص ۱۰۶)

از انس بن مالک نقل شده است که رسول اکرم (ص) می فرمایند:

«من زارنی بالمدينة محتسبا كنت له شهيدا و شفيعا يوم القيامة؛ اگر کسی با اخلاص در مدینه مرا زیارت کند من روز قیامت گواه و شفاعت کننده او خواهم بود» (قادری، زیارت قبور، ص ۶۸)

۱. زیارت به عنوان توسل: زیارت قبور اولیاء، نوعی توسل (وسیله قرار دادن صالحان برای تقرب به خدا) است که در قرآن (مثلاً آیه ۳۵ سوره مائده) و حدیث مجاز شمرده شده است.

۲. تفکیک بین عبادت و احترام: آنها تفاوت بین عبادت (که مختص خداست) و احترام به اولیاء (که مجاز است) را پررنگ میکنند.

۳. سنت پیامبر (ص): به حدیثی از پیامبر استناد میکنند که ایشان قبر مادرشان را زیارت کردند و برای او دعا کردند (سنن ابوداود، کتاب الجنائز).

احمد رضا خان بریلوی در مقابل منتقدان خود (مانند وهابیان و دیوبندیان) استدلال می کند که مخالفت با زیارت قبور، نادیده گرفتن سنت پیامبر و سلف صالح است. (بریلوی، حاشیه تحفه الاخوان، ص ۸۰)

بررسی

از دیدگاه بریلویه، زیارت قبور نه شرک است و نه بت پرستی، بلکه یادآوری آخرت و کسب برکت است. سفر مخصوص برای زیارت قبور اولیاء (اولوالالباب) جایز است. آداب زیارت شامل سلام بر مردگان، قرائت درود و سوره هایی مانند یس، ملک، آیه الکرسی و فاتحه است و ثواب آن به اموات هدیه می شود. برای زنان، زیارت قبور عموماً حرام است به دلیل خطر نوحه و گریه، اما زنان سالخورده می توانند برای کسب برکت به قبور اولیاء بروند، هرچند برای زنان جوان مکروه است. (ابن عابدین، رد المحتار، ج ۱، ص ۶۳۱) هرگونه سجده یا بوسه با نیت عبادت، کفر است (محدث دهلوی، اشعه اللمعات، ج ۱، ص ۷۱۶). علمای بریلوی مانند احمد رضا خان بریلوی، مخالفان زیارت (مانند دیوبندی ها) را به وهابیت تشبیه کرده و آن را گمراهی می دانند.

در مقابل دیوبندی ها در مورد زیارت قبور احتیاط شدید دارند و بر پرهیز از هر گونه عملی که شبیه به شرک شود تأکید می کنند. ویژگی های دیدگاه آنان:

زیارت قبور را تنها برای یاد خدا و عبرت گرفتن مجاز می دانند، نه برای طلب شفاعت یا برکات خاص از مردگان می باشد و هر گونه عمل مانند دعا یا ذکر برای طلب شفاعت از قبور اولیاء، در صورتی که موجب اعتقاد به اثر مستقل از خدا شود، ممنوع است.

همچنین ایستادن، دعا کردن و ذکر خاص در کنار قبور، در صورتی که منجر به دخالت در عبادت خداوند شود، مشروع نیست.

و در نزد آنها هدف از زیارت قبور، عبرت گرفتن و یادآوری مرگ و آخرت است، نه کسب برکت یا تقرب از طریق اولیاء.

نتیجه

بر اساس بررسی تطبیقی دیدگاه‌های مکتب بریلویه در مسئله زیارت قبور و بنای بر آنها و مقایسه آن با رویکردهای دیوبندی، وهابیت و امامیه، نتایج ذیل به عنوان یافته‌های علمی این تحقیق قابل ارائه است:

۱. جایگاه زیارت در اندیشه بریلویه:

بریلویه با استناد به منابع اصیل اسلامی از جمله قرآن کریم (با تأویل آیه «حتی زرتم المقابر») و سنت نبوی (مانند حدیث «كنت نهيتكم عن زيارة القبور الا فزوروها») مشروعیت زیارت قبور را اثبات می‌کنند. از منظر ایشان، زیارت نه تنها بدعت نیست، بلکه عملی مستحب و موجب تذکر آخرت و تقویت ایمان است. احمد رضا خان بریلوی در آثار متعدد خود بر تفکیک میان «عبادت» و «تکریم» تأکید دارد و معتقد است زیارت اولیای الهی به قصد احترام و توسل، شرک محسوب نمی‌شود.

۲. بنای بر قبور از دیدگاه بریلویه:

بریلویه با استناد به سیره صحابه (مانند ساختن گنبد بر قبر زینب بنت جحش توسط عمر بن خطاب و بنای محمد بن حنفیه بر قبر عبدالله بن عباس) و اقوال فقهای حنفی، بنای بر قبور اولیا و صالحان را جایز و حتی مستحب می‌دانند. ایشان نهی پیامبر (ص) در حدیث «أن یبنی علیه» را مربوط به موارد اسراف یا تزینات حرام می‌دانند، نه مطلق ساخت و ساز. همچنین به اقدام پیامبر (ص) در نصب سنگ بر قبر عثمان بن مظعون و بنای گنبد بر قبر حمزه سیدالشهدا توسط رسول خدا (ص) استناد می‌کنند.

۳. مبانی کلامی و اعتقادی بریلویه در مسئله زیارت:

بریلویه معتقدند اولیای الهی و پیامبران پس از مرگ در برزخ دارای حیات برزخی هستند و اعمال زندگان را می‌بینند و دعای ایشان را می‌شنوند. این اعتقاد برگرفته از آیات قرآنی مانند «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله أمواتاً بل أحياء عند ربهم یرزقون» و روایات متواتر است. بر این اساس، توسل به ایشان و درخواست شفاعت،

نه تنها جایز، بلکه مطلوب شمرده می‌شود. احمد رضا خان در «الدولة المکیة بالمادة الغیبة» به تفصیل به اثبات علم غیب پیامبر (ص) و اولیا پرداخته است.

۴. تعارض بریلویه با دیوبندیه و وهابیت:

مهمترین تقابل فکری بریلویه با دیوبندیه و وهابیت در مسئله زیارت قبور و بنای بر آنهاست. دیوبندیه با تأثیرپذیری از اندیشه‌های ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب، هرگونه بنای معمارانه بر قبر را بدعت و وسیله شرک می‌دانند. ایشان معتقدند زیارت قبور تنها برای عبرت و یاد مرگ مجاز است، نه برای طلب شفاعت و برکت. در مقابل، بریلویه با قاطعیت از مشروعیت شرعی زیارت و بناء دفاع کرده و آثار متعددی در رد دیدگاه دیوبندیه تألیف نموده‌اند، از جمله «حسام الحرمین» و «الفتاوی الرضویه».

۵. رویکرد تطبیقی با امامیه:

شیعه امامیه نیز با بریلویه در مشروعیت زیارت قبور و بنای بر آنها اشتراک نظر دارد، اما با احتیاط بیشتری عمل می‌کند. فقهای امامیه بنای بارگاه و گنبد بر قبور اولیا را جایز، اما برای افراد عادی مکروه می‌دانند تا از غلو و افراط‌گری جلوگیری شود. همچنین در زیارت، تأکید بر توحید عبادی و پرهیز از هرگونه شرک خفی دارد. بریلویه اما رویکردی عرفانی‌تر و بازتر دارد و برخی از پیروان آن به مرزهای غلو نزدیک شده‌اند، هرچند که احمد رضا خان خود بوسیدن و طواف قبر و سجده بر آن را حرام اعلام کرده است.

۶. تحلیل انتقادی ادله بریلویه:

ادله بریلویه در مسئله زیارت و بناء بر قبور عمدتاً بر چهار دسته استناد می‌کند: آیات قرآن (مانند آیه اصحاب کهف)، احادیث نبوی (مانند جواز زیارت قبور و بناء بر قبر حمزه)، سیره صحابه و تابعین (مانند بنای عمر بن عبدالعزیز بر قبر پیامبر (ص)) و اجماع فقهای حنفی. از نظر روش‌شناختی، بریلویه رویکردی جمع‌گرایانه به نصوص دارد و میان ادله ظاهراً متعارض (مانند حدیث نهی از بناء و سیره عملی صحابه) جمع

می‌کند. این رویکرد از انسجام درونی قابل قبولی برخوردار است، هرچند که منتقدان دیوبندی معتقدند بریلویه در تأویل نصوص تسامح کرده است.

۷. بایسته‌های روش‌شناختی در بررسی اختلاف:

تحقیق حاضر نشان می‌دهد که اختلاف نظر در مسئله زیارت و بناء بر قبور ریشه در مبانی اصولی و کلامی متفاوت دارد. دیوبندی و وهابیت بر ظاهرگرایی و احتیاط در عبادات تأکید دارند و هر عملی را که شائبه شرک داشته باشد ممنوع می‌کنند، در حالی که بریلویه بر باطن‌گرایی و عرفان اسلامی تکیه دارد و توسل و زیارت را تجلی محبت به اولیا و وسیله قرب الهی می‌داند. این اختلاف را نمی‌توان صرفاً با استناد به نصوص حل کرد، بلکه نیازمند بازنگری در مبانی هر دو رویکرد است.

جمع‌بندی نهایی:

با توجه به مجموع مباحث، می‌توان نتیجه گرفت که دیدگاه بریلویه در مسئله زیارت قبور و بنای بر آنها از پشتوانه محکمی در قرآن، سنت، سیره صحابه و فقه حنفی برخوردار است و نمی‌توان آن را بدعت یا شرک دانست. تفکیک میان «عبادت» و «تکریم» در اندیشه بریلویه، مرز سلامت عقیدتی را حفظ کرده است. از سوی دیگر، رویکرد دیوبندی و وهابیت هرچند با احتیاط در توحید همراه است، اما در عمل بسیاری از سنت‌های اسلامی را به دلیل ترس از شرک، محدود و حتی تحریم کرده است که با روح شریعت اسلام که بر میانه‌روی استوار است، سازگاری کامل ندارد.

در نهایت، تحقیق حاضر اثبات می‌کند که زیارت قبور و بنای بر آنها به قصد احترام و تذکر، از دیدگاه اسلام عملی مشروع و ممدوح است و بریلویه با استناد به ادله معتبر، دیدگاه متقنی در این زمینه ارائه داده است. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی به بررسی تطبیقی آداب زیارت در مذاهب مختلف اسلامی و راهکارهای تقریب بین دیدگاه‌ها بپردازد تا زمینه‌های گفت‌وگوی سازنده فراهم آید.

فہرست منابع

۱. ابن عابدین، محمد امین، رد المحتار علی الدر المختار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
۲. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دارصادر بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
۴. اعظمی، مولانا مفتی امجد علی، بہار شریعت، مکتبہ المدینہ، کراچی، چ پنجم ۲۰۱۲م.
۵. اکبر، ثاقب، پاکستان کے دینی مسالک، اسلام آباد، ناشر البصیرہ، ۲۰۱۰م.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مقدمة محمد منیر دمشقی، بیروت، ۱۴۰۶ق.
۷. بدایونی، شاہ فضل رسول، المعتقد المنتقد، لاہور: ضیاء القرآن پبلی کیشنز، ۲۰۰۲م.
۸. بریلوی، احمد رضا خان، المستند المعتمد، مکتبہ المدینہ، کراچی ۲۰۱۴م.
۹. بریلوی، احمد رضا خان، الفتاوی الرضویہ، کجرات، مرکز اہل سنت برکات رضا، چاپ دوم
۱۰. بریلوی، احمد رضا خان، المعجوب الملتقط من الملفوظات، فریدبک، لاہور، چاپ سوم، ۲۰۰۶م.
۱۱. بریلوی، احمد رضا خان، مطلع القمرین فی ابانہ سبقہ العمرین، لاہور: کتب خانہ امام احمد رضا، ۲۰۱۲م.
۱۲. خسروی، عباس، اشتراکات و افتراقات اعتقادی بریلویہ با شیعہ، قم: آثار نفیس، ۱۳۹۸ش.
۱۳. رضوی، سید محمد اکبر الحق، ظہور امام مہدی کب اور کھان؟ کراچی: انجمن انوار القادریہ، بی تا

۱۴. زیبری، ولید احمد حسین، الموسوعة الميسرة في تراجم أئمة التفسير و الإقراء و النحو و اللغة من القرن الأول إلى المعاصرين مع دراسة لعقائدهم و شى من طرائفهم، بريطانيا: مجله الحكمة، ۲۰۰۳م.
۱۵. سبحانی، جعفر، الزيارة في الكتاب و السنة، بيروت: دارالاضواء، ۱۴۲۵ق.
۱۶. سبحانی، جعفر، آيين وهاييت، تهران: مشعر، ۱۳۸۶ش.
۱۷. شاه جهان پوری، اختر، سيرت امام احمد رضا، لاهور: رضا فاونديشن، ۱۹۸۸م.
۱۸. شريینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج إلى معرفة معانی الفاظ المنهاج، بيروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، بيروت: موسسه الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق.
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، مصحح: محمود عادل، تهران: نشر فرهنگ اسلامی چ سوم ۱۳۷۸ش.
۲۱. عسقلانی، ابن حجر، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ریاض: دار طیبہ، ۱۴۲۶ق.
۲۲. فیض کاشانی، مولا محسن، تفسیر صافی، بيروت: موسسه الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق.
۲۳. قادری رضوی، ظفرالدین، حیات اعلیٰ حضرت، کراچی: مکتبہ المدنیہ، چاپ نهم، ۲۰۱۳م.
۲۴. قادری، شاه تراب الحق، مزارات اولیاء اور توسل، لاهور: ضیاء القرآن، ۲۰۰۴م.
۲۵. قادری، محمد طاہر، حیات و نزول مسیح اور ولادت امام مہدی، لاهور: منہاج القرآن، ۲۰۰۵م.
۲۶. قادری، محمد طاہر، ذبح عظیم، لاهور: منہاج القرآن، چاپ پنجم ۲۰۰۴ق.
۲۷. محدث دہلوی، عبدالحق، أشعة اللمعات في شرح المشكاة، بيروت، بی نا، بی تا.
۲۸. مراد آبادی، سید محمد نعیم الدین، کتاب العقاید، کراچی: مکتب المدینہ، بی تا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیہ چ ۴۶، ۱۳۸۳ش.

۳۰. نعمانی قادری، محمد عبدالمبین، امام احمد رضا دوران مکی تعلیمات، مالیگاؤل:

نوری مشن، ۲۰۰۷م.

۳۱. النعیم، دکتر عبد، اردو نعت گوئی اور فاضل بریلوی، کراچی، اداره تحقیقات امام

احمد رضا، ۲۰۰۸

۳۲. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، قاہرہ: دار الحدیث، ۱۴۱۲ق.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی